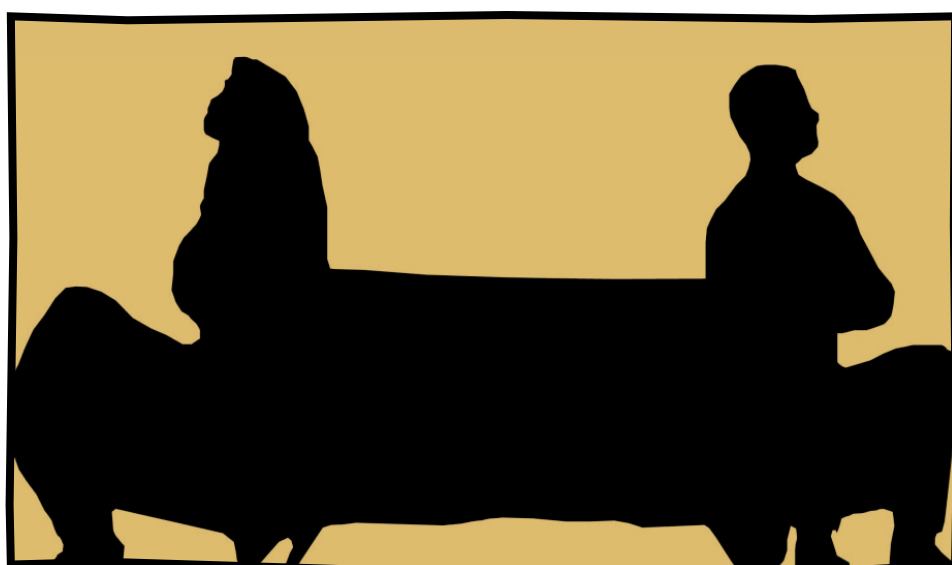


بازورگویی به خواسته‌های خود نمی‌رسید

سارا شقاقی، روان‌شناس در این رابطه می‌گوید: معمولاً در بیشتر پرونده‌های طلاق و جدایی که من بررسی می‌کنم، یکی از مهم‌ترین عواملی که در زندگی زناشویی به جدایی یا جنجال می‌انجامد، خودخواهی و خودرایی است. یعنی اینکه هر دو طرف سعی دارند با زور و اجبار خواسته خود را به دیگری تحمیل کنند. در صورتی که همیشه زور و اجبار در هر شرایطی باعث فروپاشی یک رابطه می‌شود. گاهی اوقات زن یا مرد خواسته‌ای دارند که احتمال دارد خواسته آنها به حق باشد، ولی برای بیان این خواسته و اجرای آن از سوی طرف مقابلشان به زور و اجبار متوسل می‌شوند. همین باعث می‌شود که طرف مقابل این تحمیل و اجبار را نپذیرد و از اجرای آن خواسته سر باز زند. همین موضوع باعث جنجال و لج و لجاجت می‌شود. جنجال‌ها ادامه پیدا می‌کند و در نهایت به فاجعه‌ای به نام جدایی و طلاق می‌انجامد. زن و شوهر باید این را بدانند که خودخواهی و تحمیل خواسته‌ها، هرچقدر هم به حق باشد سلامت یک رابطه را به خطر می‌اندازد. تعامل زوجین باید در مورد زمان بچه دار شدن بیشتر شود و اگر همسر مخالف است، باید او را با دلایل قانع کنند. لجبازی و اجبار نمی‌تواند راهگشا باشد و همیشه بهترین راه حل مشکلات گفت‌وگو است.



**زوج‌ها باید بدانند
 خواسته‌های خود را
 هرچند به حق نباید به
 طرف مقابل تحمیل
 کنند و این تحمیل
 خواسته، سلامت
 یک رابطه را به خطر
 می‌اندازد**



در خواست طلاق برای تهدید شوهر

دوست دارم فرزندم را در آغوش بگیرم. ولی نادر آنقدر خودخواه است که این موضوع برایش مهم نیست. ما سن و سالمان زیاد شده و همین مساله می‌تواند روی بچه‌دار شدنمان تاثیر بدی بگذارد. چند وقت دیگر که بگذرد، من و نادر باید برای همیشه با فرزند داشتن خداحافظی کنیم و الان وقت آن است که ما صاحب فرزند شویم. ولی نادر راضی نمی‌شود. من هم وقتی دیدم او حاضر نیست کوتاه بیاید، تصمیم گرفتم به دادگاه خانواده بیایم و درخواست طلاق بدهم. می‌خواستم با این کار نادر را تهدید کنم تا شاید سر عقل بیاید و به نظر من احترام بگذارد. اما او موافقت که نکرد هیچ حتی گفت حاضر است از من جدا شود. وقتی بی‌تفاوتی او را دیدم تصمیم گرفتم برای همیشه از او جدا شوم. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی من دوست ندارم بچه از پرورشگاه بیاورم و بزرگ کنم. این کار عشق زیاد می‌خواهد. من آمادگی اش را ندارم. نمی‌گویم این کار بد است، فقط من دوست دارم فرزند خودم را بزرگ کنم. الان هم که علم دارد پیشرفت می‌کند، امید دارم که روزی درمان این بیماری هم پیدا می‌شود و ما به خواست خدا صاحب فرزند شویم. اما پونه متوجه این ماجرا نیست و فقط حرف خودش را تکرار می‌کند. این مساله‌ای نیست که خودش به تنهایی تصمیم بگیرد. من هم باید راضی باشم. ولی او فقط حرف خودش را می‌زند و حتی تهدید می‌کند که اگر قبول نکنم از هم جدا می‌شویم. من هم قبول کردم چون دیگر نمی‌خواهم در کنار این زن خودخواه زندگی کنم. در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند و رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

پونه وقتی دید شوهرش راضی نمی‌شود تا آنها نوزادی را به فرزند قبول کنند، تصمیم عجیبی گرفت و برای راضی کردن شوهرش تصمیم گرفت درخواست جدایی دهد تا با این تهدید شوهرش خواسته او را قبول کند. اما این تهدید به نابودی زندگی مشترکش منجر شد و در نهایت این زوج جوان راهی دادگاه خانواده تهران شدند تا دادخواست جدایی خود را ارائه دهند. زن جوان وقتی روبه‌روی قاضی دادگاه خانواده تهران قرار گرفت، درباره زندگی‌اش گفت: ۹ سال می‌شود که با نادر ازدواج کرده‌ام. من و نادر در یک مهمانی با هم آشنا شدیم و وقتی احساس کردیم به هم علاقه‌مند هستیم، تصمیم به ازدواج گرفتیم. حدود ۵ سال گذشت تا این که متوجه شدیم نمی‌توانیم صاحب فرزند شویم. نزد پزشکان مختلفی رفتیم و کلی دارو مصرف کردیم. اما در نهایت مشخص شد مشکل از نادر است و او نمی‌تواند صاحب فرزند شود. از آن زمان به بعد زندگی ما به جهنم تبدیل شد. من که آرزو داشتم مادر شوم، سعی کردم نادر را راضی کنم تا یک بچه را از پرورشگاه بیاوریم و بزرگ کنیم، اما نادر به هیچ عنوان قبول نکرد و گفت که اگر می‌خواهم کنارش زندگی کنم، نباید این خواسته را تکرار کنم. همیشه می‌گفت باید منتظر بمانیم تا شاید او درمان شود و می‌گفت دوست دارد فرزند خودمان را داشته باشیم. الان سه چهار سال می‌شود که نه درمان‌ها جواب داده و نه نادر راضی می‌شود از پرورشگاه یک نوزاد بیاوریم و بزرگ کنیم. من هم دیگر نمی‌توانم صبر کنم. خسته شدم از بس تنها ماندم.

سیمافراہانی

تپش





انواع لنت ترمز و قطعات اصطکاکی را از جهان لنت بخواهید.


۰۲۱۸۸۷۳۷۹۵۹

www.jahantormoz.com
